

گفت و گو با حجة الاسلام و المسلمین نظری منفرد

و قسمتی از اصول را محضر حضرت آیت الله اراکی تلمذ کردم، در زمینه‌ی فلسفه هم از محضر استادان مختلفی من جمله: استاد شهید مطهری بهره بردم، در سال ۱۳۴۶ هـ ش موفق به اخذ درجه کارشناسی معقول و منقول (الهیات) از دانشگاه تهران شدم، و اکنون به تبلیغ و تدریس، در حوزه اشتغال دارم.

مبلفان: شما آثاری هم دارید که چاپ شده باشد یا آماده چاپ باشد؟

□ آثاری از بنده چاپ شده است؛ مثل: «الاحادیث الغیبه» در سه جلد که مجموعه‌ای از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است و بیشتر نظر، روی روایاتی است که به عنوان یک خبر غیبی بعداً تحقق پیدا کرده است. این احادیث از منابع شیعه و اهل سنت با کمک دوستان جمع آوری و نقل شده است.

اثر دیگر، کتاب «مقتل کربلا یا قصه

مبلفان: از فرصتی که در اختیار مجله قرار دادید، تشکر می‌کنیم. لطفاً خلاصه‌ای از زندگی علمی، فرهنگی خود را بیان کنید.

□ بسم الله الرحمن الرحیم.

من هم متقابلاً از شما تشکر می‌کنم و برایتان آرزوی موفقیت دارم.

بنده در سال ۱۳۴۱ هـ ش به فراگرفتن دروس حوزوی مشغول شدم -

که هم زمان با آغاز نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی -

رضوان الله تعالی علیه - بود. برای ادامه‌ی تحصیل در سال (۱۳۴۷ هـ ش) عازم

نجف اشرف شدم و بعد از توقف کوتاهی در نجف اشرف، مجدداً به قم آمدم و از

محضر استادانی چون: آیه‌الله سلطانی طباطبایی در دوره‌ی سطح و مرحوم

آیه‌الله داماد در درس خارج استفاده کردم و عمده‌ی درس خارج را از محضر

آیت الله میرزا هاشم آملی استفاده کردم

کربلاست» که به چاپ رسیده است و نیز کتاب «روزه ماه رمضان» و کتابهای دیگری آماده‌ی چاپ است و بعضی نیز هنوز آماده‌ی چاپ نیست.

مبلفان: تأثیر سخن و تبلیغ را در نشر و گسترش اسلام بیان کنید.

□ بهترین راه افاده و استفاده بیان است. خداوند متعال در اهمیت بیان می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾^(۱). پیامبر اکرم ﷺ از راه بیان، افراد زیادی را متحول ساخت مخصوصاً با تلاوت آیات قرآن که وقتی مردم این آیات را می‌شنیدند، اشک از چشمانشان جاری می‌شد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِذْ أَسْتَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ﴾^(۲). پیامبر اکرم ﷺ در مکه از راه تبلیغ، افرادی را به راه خدا دعوت کردند و عده‌ای مسلمان شدند، با سخت‌گیری کفار مکه، پیامبر اکرم ﷺ گروهی را به سرپرستی جعفر طیار به حبشه فرستادند، که اینها نیز یک گروه تبلیغی بودند. با تبلیغات آنها نجاشی و عده‌ای دیگر مسلمان شدند، بسیاری از

مردم مدینه با تبلیغات مصعب ابن عمیر مسلمان شدند.

تبلیغ بیشترین نقش را در نشر و گسترش اسلام داشته است.

مبلفان: به نظر شما حوزه‌ی علمیه برای گسترش تبلیغات دینی، چه کارهایی را باید انجام دهد؟

□ اولاً باید برای کسانی که ذوق تبلیغی دارند، جاذبه ایجاد کرد. باید این مسئله را تفهیم کنیم که تبلیغ راه انبیا است، پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم السلام مبلغ بوده‌اند، خدای متعال در قرآن کریم مبلفان را ستوده است آنجا که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾^(۳) آنان که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و جز از خدا از کسی نمی‌ترسند.

ثانیاً باید مشکلاتی را که بر سر راه تبلیغ است، برطرف کنیم. در گذشته مشهور بود که مبلفان سواد لازم و کافی ندارند. این سخن انگیزه رفتن به تبلیغ را از بین می‌برد. ما باید تفهیم کنیم که چنین نیست، اتفاقاً یکی از مراجع می‌فرمودند: «اگر از من سؤال کنند، که

تبلیغ و فن سخنوری مهمتر است یا مجتهد شدن؟ می‌گویم سخنوری. چون اگر کسی استعداد خوبی داشته باشد، مجتهد خواهد شد اما یک سخنور خوب نخواهد شد. استدلال ایشان این بود که سخنوری هنر است.

این هنر را سخنران می‌تواند با تلاش و مداومت بر تمرین، در خود تقویت کند. **مبلفان:** اشاره فرمودید که به فرمایش آن مرجع بزرگوار: «تبلیغ یک هنر است.» حالا اگر کسی بدون رعایت ضوابط و فنون این هنر وارد میدان تبلیغ شود، آیا می‌تواند نقش تبلیغی خود را ایفا کند؟

□ بعضی به طور طبیعی بیان شیوا و جذاب و صدای خوب دارند. ولی هر قدر بیشتر کار شود با فنون خطابه و بیان، موفقیت بیشتر خواهد بود.

مبلفان: به نظر حضرت عالی اولویت‌های تبلیغی امروزه، کدامند؟

□ ما در کشوری زندگی می‌کنیم که غالب جمعیت آن، جوان هستند. و مهمترین خوراک روحی جوان، معارف دین است. حتی باید مقدم بر مسائل اخلاقی بیان شود اول باید پایه و اساس

دین جوانان؛ یعنی، اعتقاد به مبدأ، معاد، نبوت و امامت را در آنها تقویت کرد و بعد از این که اعتقادش درست شد، جذب دین می‌شود. آن وقت نوبت به اخلاق می‌رسد، و معارف دین را باید با بیان ساده و روشن ارائه نمود.

مبلفان: نکاتی را در مورد شیوه‌ی تبلیغ معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - بیان بفرماید.

□ خداوند متعال به شخص پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ادع الی سبیل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»^(۴)؛ بخوان به سوی راه پروردگار خویش با حکمت و پند نیکو و در ستیز با ایشان بدان چه آن نیکوتر است».

خداوند متعال به حضرت موسی عليه السلام می‌فرماید: «اذهبا الی فرعون انه طغی فقولاً له قولاً لیناً»^(۵)؛ حتی فرعون که ادعای الوهیت می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: «با او با زبان نرم سخن بگو». با زبان نرم سخن گفتن، شنونده را ترغیب و تشویق به پذیرش می‌کند. البته در موعظه باید هم بشارت و هم انداز باشد. و پیامبر اکرم ﷺ هم بشیر است و هم

ندیر. و گوینده باید ماهر باشد و بداند که کجا جای انذار است و کجا جای تبشیر. سخنران باید یک روانشناسی از مستمع داشته باشد و به تناسب حال او وی را مورد انذار و تبشیر قرار دهد.

یکی از شیوه‌های تبلیغی که از روایات استفاده می‌شود، این است که در آغاز که پیامبر اسلام ﷺ مبلغان را به اطراف می‌فرستادند می‌فرمودند: برای مردم از اخلاق حسنه صحبت نکنید بلکه مردم را به معارف و عقاید دعوت کنید. و وقتی که معتقد شدند، بیشتر به اخلاق حسنه عامل می‌شوند و دیگر دستورات اسلام را می‌پذیرند.

مبلغان: چه بعدی از زندگی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ جاذبه‌دارتر است و لازم است برای مردم مخصوصاً جوانان گفته شود؟

□ همه‌ی ابعاد زندگی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین ﷺ جاذبه دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة» (۶)؛ پیامبر اکرم ﷺ اسوه است و همه‌ی ابعاد زندگی پیامبر خدا ﷺ باید مورد توجه باشد ولی نکته‌ی مهم در زندگی

پیامبر اکرم ﷺ مقاومت عجیب ایشان است. و این مقاومت ایشان حاکی از ایمان راسخ ایشان است. یک اعتقاد توأم با یقین، وقتی انسان به چیزی یقین داشت و معتقد شد، در راستای آن استوار می‌ماند. واقعاً استقامت‌های پیامبر اکرم ﷺ فوق العاده است. این نکته‌ای است که خداوند متعال مکرر ما را به آن امر کرده است «اصبروا و صابروا» و خداوند متعال به کسانی که اهل استقامت هستند بشارت داده است: «ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون» (۷).

اگر این بُعد از زندگی پیامبر ﷺ را بشناسیم و به دیگران بگوییم، خیلی جالب و آموزنده است.

مبلغان: به نظر شما با توجه به گسترش ابزارها و شیوه‌های جدید تبلیغ، آیا تبلیغ به شکل سنتی می‌تواند در دنیای امروز، مؤثر باشد؟

□ بشر طبعاً دوست دارد، گوینده و سخنران را از نزدیک ببیند؛ خطاب شفاهی چیز دیگری است و فرق است

خطبای محترم ما باید تلاش کنند از شیوه‌هایی استفاده کنند که تأثیر بیشتری داشته باشد. به کارگیری الفاظ خوب، با نرمی سخن گفتن و غیره می‌تواند سخنرانی را گیراتر کند.

الآذان». اگر سخنران مخلص بود، به آن چه گفت عامل بود، سخنش چون از دل برآید، بر دل نشیند. اما اگر از زبان برآید، از گوش‌ها تجاوز نمی‌کند. و امر دیگری که لازم است، داشتن سرمایه‌ی لازم برای بحث مورد نظر است، شنونده همانند تشنه‌ای است که خطیب می‌خواهد او را سیراب کند. پس باید آب گوارا و زلال را در اختیار داشته باشد. همین طور مطالب را در الفاظ زیبا پیاده کردن و حرکات دست و نگاه را تنظیم کردن، خیلی مؤثر است.

مبلغان: سخنران، قبل از سخنرانی چه مقدماتی را باید رعایت کند؟

□ یک خطیب لازم است با طهارت باشد - ممکن است بعضی از سخنرانان نیاز به طهارت نداشته باشند. خطیبی که می‌خواهد مردم را به خدا دعوت کند و به معنویت و قیامت ترغیب کند، لازم است با طهارت باشد. طهارت باعث نورانیت می‌شود. خطیب باید قصد قربت کند؛ اخلاص داشته باشد؛ خطیب لازم است بر خدا توکل کند و مطلب دیگری که خیلی مهم است، آماده کردن مطالب است تا اوقات مردم را تلف نکند. و این

بین کسی که نواری را گوش دهد و کسی که سخنرانی را مستقیماً از خطیب بشنود. گرفتن سخن از خطیب و گوینده، بدون واسطه قوی‌تر است و مردم بیشتر توجه می‌کنند.

خطابه به شکل سنتی، مشکلی ندارد. فقط خطبای محترم ما باید تلاش کنند از شیوه‌هایی استفاده کنند که تأثیر بیشتری داشته باشد. به کارگیری الفاظ خوب، با نرمی سخن گفتن و غیره می‌تواند سخنرانی را گیراتر کند.

مبلغان: یک خطیب خوب به چه چیزهایی نیازمند است؟

□ یک خطیب به چند چیز، نیازمند است. اخلاص و عامل بودن به گفتارش «الموعظة اذا خرج من القلب دخل في القلب واذا خرج من اللسان لم يتجاوز»

خودش نوعی احترام به مردم است. گوینده باید مطالب مفید و مورد نیاز مردم را آماده کند و سخنرانی کند.

مبلفان: میزان تأثیرگذاری مرهون چه عواملی است؟

□ میزان تأثیرگذاری بستگی به اموری دارد:

یکی این که الفاظی که در تبلیغ به کار گرفته می‌شود، برای مخاطب مانوس و خودمانی و آشنا باشد والا اگر الفاظ نامانوس و ثقیل باشد، خسته کننده است. مستمع توجه نمی‌کند و باعث تلف کردن وقت می‌شود.

دیگر این که هر قدر گوینده عامل و معتقد به سخن باشد و با سوز سخن بگوید، میزان تأثیرش بیشتر خواهد بود.

البته به کارگیری واژه‌های علمی خوب و متعارف، در اجتماعات خاص علمی اشکالی ندارد. ممکن است همان‌ها برای عامه مردم نامانوس باشد باید برای مردم کوچه و بازار - که اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند - از واژه‌های نامفهوم پرهیز شود و این یک اصل، در سخنرانی است.

مبلفان: آیا در سخنرانی سبک‌های

مختلفی دارید؟

□ این که انسان با حرارت صحبت کند یا آرام یا متنوع یک تفسیر از سبک‌های مختلف است. تفسیر دیگر از سبک‌های مختلف سخنرانی این است که سخنرانی تاریخی باشد یا قرآنی یا استدلالی؛ یعنی، مطالب و مسائلی که مطرح می‌شود، برای این که در دل مستمع جای بگیرد و تأثیر بیشتری در او بگذارد، همراه با شواهدی ارائه گردد از قرآن و تاریخ و... بعضی به بیان مطلب بسنده می‌کنند و فقط مطلب را همین طور مسلسل وار ارائه می‌دهند و بعضی بیانشان را با استبداع و ارائه‌ی نمونه و چاشنی شعری مزین می‌کنند. اینها سبک‌های مختلفی است که تأثیر بیشتری در شنونده خواهد گذاشت.

مبلفان: لطفاً چند مورد از مسائلی که اثر تبلیغ را کاهش می‌دهد، بیان فرمایید.

□ یکی از آفات سخنرانی این است که سخن همانند یک کلاف سردرگم باشد؛ یعنی، مشخص نباشد که سخنران چه می‌گوید، ممکن است کسی با الفاظ، خوب بازی کند و خوب سخنرانی کند اما

سخنان خوب نگوید. یک خطابه‌ی خوب خطابه‌ای است که آغاز و انجام داشته باشد؛ ابتدا و انتها داشته باشد و شروع مطلب و خروج از مطلب به گونه‌ای باشد که هنگامی که جلسه سخنرانی تمام شد و مستمع از جا برخاست، بداند که غذای روحی خودش را از متکلم اخذ کرده است و اگر از او سؤال کنید که پیام این سخنرانی چه بود، بتواند موضوع و پیام آن سخن را بیان کند.

از دیگر آفاتی که برای سخنرانی هست این که خطیب خسته باشد یا خطابه را طولانی کند که باعث خستگی و ملالت شنونده شود و یا این که به گونه‌ای با حرارت صحبت کند که افراد را ملول و خسته کند و یا این که خطیب مطالبی برای گفتن نداشته باشد و فقط با الفاظ، بازی کند. اینها و اموری دیگر از این قبیل برای خطابه مضر است.

مبلغان: یکی از خطبای به نام کشور ما مرحوم حجة الاسلام والمسلمین فلسفی بود. به نظر شما مهمترین ویژگی و علت درخشش ایشان چه بود؟

□ یکی از ویژگی‌هایی که من در صحبت‌های ایشان لمس کردم و این

ویژگی نقش مهمی در موفقیت ایشان داشت، شجاعت ایشان بود. یکی از آفات سخنوری، ترس و واهمه‌ی خطیب از مستمع است که حتی گاهی باعث فراموش کردن دانستنی‌هایش می‌شود. سخنران نباید تحت تأثیر جمعیت مجلس قرار گیرد بلکه هنگامی که مجلس را به دست گرفت، باید کاملاً مسلط باشد؛ و اعتماد به نفس داشته باشد و بدون نگرانی و اضطراب سخن بگوید.

من اینجا نکته‌ای را که به صورت خاطره هم هست بگویم. شاید ده سال قبل بود که ایشان در دهه‌ی اول صفر در منزلشان، مجلس داشتند. من با یکی از دوستان اهل علم برای شرکت در روضه‌ی ایشان رفته بودیم. مقرر بود در آن مجلس دو نفر سخنرانی کنند و خودایشان جزء مستمعین بودند. وقتی وارد جلسه شدیم، قرعه‌ی فال به نام من زده شد. من عذر خواستم و گفتم من آمادگی ندارم و برای استفاده از مجلس آمدم.

ایشان نپذیرفتند و فرمودند که خطیب و سخنران هیچ گاه نباید از

یک فطابه‌ی فوب فطابه‌ای است

که آغاز و انجام داشته باشد؛ ابتدا و انتها

داشته باشد و شروع مطلب و فرود از مطلب به

گونه‌ای باشد که هنگامی که جلسه سخنرانی تمام

شد و مستمع از جا برافاست، بداند که غذای رو حی

فودش را از متکلم افذ کرده است و اگر از او سؤال

کنید که پیام این سخنرانی چه بود، بتواند موضوع

و پیام آن سخن را بیان کند.

بود؛ حتی ایشان عادی هم که با افراد صحبت می‌کردند، به قدری جالب بود که گویا روی منبر صحبت می‌کنند.

کلمات را صحیح و زیبا ادا می‌کردند؛ شکسته صحبت نمی‌کردند و مطلب را خوب می‌پروراندند و پخته می‌کردند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان مطالعات ایشان است که معروف است، گاهی ایشان برای یک ساعت سخنرانی، ۸ ساعت مطالعه می‌کردند و منبر بدون مطالعه نمی‌رفتند.

مبلغان: اگر خاطره جالبی از سفرهای تبلیغی خودتان دارید، بیان بفرمایید.

سخنرانی کردن امتناع‌کننده و عذریاورد. فرمودند: اگر مناسبت زمانی است، انسان مطالب درباره‌ی آن مناسبت داشته باشد و اگر مناسبت خاصی نیست، انسان از این جا شروع کند که انسان مخلوقی است که خداوند به او نعمت بیان عطا کرده است و خود ایشان شروع کردند پای منبر راجع به بیان، صحبت کردن و همان چند دقیقه صحبت ایشان باعث شد که من رفتم منبر و ایشان مرا بعد از منبر تشویق کردند. یکی دیگر از عوامل موفقیت ایشان این که کلمات را زیبا و خوب بیان می‌کردند؛ حرکات دست خیلی مرتب

□ یک بار به لندن رفته بودم، ماه مبارک رمضان در آن جلسه درباره‌ی مسائل اعتقادی بحث می‌کردم. آنجا که من سخنرانی می‌کردم روبروی یک کلیسا بود و شرکت‌کنندگان در آن جلسه ایرانیان بودند و بعضی از افراد بومی انگلیسی و مسلمان. من یک شب پیرامون توحید بحث می‌کردم و گفتم فرق است بین توحید اسلام و تثلیث مسیحیت و عرض کردم ببینید چقدر این دو در توحید فاصله دارند. اسلام خدا را احد و واحد می‌داند؛ در اسلام خدا مرکب نیست؛ جزء ندارد؛ نظیر هم ندارد و این دو خصوصیت در سوره‌ی اخلاص جمع است. «قل هو الله احد» اشاره به عدم ترکیب و «کفواً احد» اشاره به نظیر نداشتن خدا است.

کسانی که فارسی بلد نبودند، گوشه‌های مخصوصی داشتند که مطالب را برایشان ترجمه می‌کرد. من که آمدم منزل، گفتند یک فاکس برای شما شده است. گفتم من که کسی را اینجا نمی‌شناسم، فاکس از کجا؟ گفتند یک آقای فاکس برای شما فرستاده است و با آن اشعاری را که سروده بود، فرستاده

بود. او جوان مسیحی تازه مسلمانی بود که پای منبر من آمده بود، آن شب که راجع به توحید صحبت کردم، شنیده بود و در فاکس گفته بود این مسأله را نمی‌دانستم که توحیدی را که اسلام می‌گوید، این قدر زیبا باشد در قبال تثلیث مسیحیت. و این نکته خیلی مورد توجه مسیحی تازه مسلمان قرار گرفته بود. این خاطره‌ی جالبی برای من بود.

میلغان: با تشکر از شما به خاطر فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

□ من هم از شما تشکر می‌کنم و برای شما آرزوی توفیق دارم.

پی‌نوشت

- ۱- الرحمن / ۱ تا ۴.
- ۲- المانده / ۸۳.
- ۳- احزاب / ۳۹.
- ۴- نحل / ۱۲۵.
- ۵- طه / ۴۳ و ۴۴.
- ۶- احزاب / ۲۱.
- ۷- فصلت / ۳۰.